

گزارش «فرهیختگان» از وضعیت ساخت‌وسازها در پارک سرخه حصار

# پوست درختان را کندند



درختان پارک حفاظت‌شده سرخه حصار نیز از شهرداری تهران ضربیدر گرفتند. چندی پیش برخی از رسانه‌ها درباره تراشیده شدن تنه و قطع بخشی از درختان پارک محافظت‌شده سرخه‌حصار خبر دادند. به دنبال انتشار این خبر، در ابتدا دادستانی تهران ورود کرد و پس از چندی نیز روابط عمومی حفاظت محیط‌زیست تهران اعلام کرد که این درختان بیمارند و قطع آنها با مجوز منابع طبیعی بود و سازمان محیط‌زیست نیز از جریان قطع شدن و تراشیده شدن تنه این درختان بی‌خبر نیست. در آن اطلاعیه سازمان حفاظت محیط زیست به این نکته اشاره کرده بود که شهرداری تهران در صورت باید به جای درختان مذکور بیمار، درخت جایگزین کند. قصه آن روزهای درختان سرخه حصار تا همین‌جا مسکوت ماند و خبر دیگری از جایگزینی درختان یا دلیل تراشیده شدن تنه درختان منتشر نشد. اما ظاهراً ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و هنوز هم پرونده درختان سرخه حصار باز است. براساس گزارشات دریافتی «فرهیختگان»، ظاهراً قرار است بخشی از درختان سرخه حصار قطع یا جابه‌جا شوند و در محوطه مذکور، رستوران احداث شود.



طبق مشاهدات خبرنگار «فرهیختگان»، محدوده‌ای که قرار است درختان آن قطع یا احتمالاً جابه‌جا شوند، نزدیک ورودی دوم پارک سرخه حصار است. از ورودی دوم که وارد پارک می‌شوید، سمت چپ پارک، چندمتری که در خیابان «شقایق» قدم می‌زنید، درختان علامت‌گذاری شده با اسپری آبی رنگ را خواهید دید. درختان علامت‌گذاری شده در نزدیکی آلاچیق‌های آن راسته از پارک قرار دارند. همچنین تنه درختان تراشیده شده است و مساحت قابل‌توجهی از درختان آن محدوده با اسپری آبی‌رنگ، علامت‌گذاری شده‌اند. در میان درختان علامت‌گذاری‌شده نیز سه تنه درخت تازه‌قطع‌شده دیده می‌شود. در آن محدوده، تراکم درختان پایین است و درختان علامت‌گذاری‌شده، به وضوح قابل مشاهده‌اند و ممکن است توجه عابران پارک را جلب کنند. چند متر بالاتر از این محدوده، تراکم درختان بیشتر می‌شود اما باز هم در مجموع، نسبت به سایر قسمت‌های پارک، درختان کمتری دارد. در همان محدوده نیز در مساحت قابل‌توجهی باز هم درختان علامت‌گذاری‌شده با اسپری آبی‌رنگ و تراشیده‌شده دیده می‌شود. محدوده دوم شاید در فاصله ۱۱۰ الی ۱۵ متری محدوده اول قرار دارد. دسترسی هر دو محدوده از طریق خیابان شقایق پارک جنگلی

درختان آن قطع یا احتمالاً جابه‌جا شوند، نزدیک ورودی دوم پارک سرخه حصار است. از ورودی دوم که وارد پارک می‌شوید، سمت چپ پارک، چندمتری که در خیابان «شقایق» قدم می‌زنید، درختان علامت‌گذاری شده با اسپری آبی رنگ را خواهید دید. درختان علامت‌گذاری شده در نزدیکی آلاچیق‌های آن راسته از پارک قرار دارند. همچنین تنه درختان تراشیده شده است و مساحت قابل‌توجهی از درختان آن محدوده با اسپری آبی‌رنگ، علامت‌گذاری شده‌اند. در میان درختان علامت‌گذاری‌شده نیز سه تنه درخت تازه‌قطع‌شده دیده می‌شود. در آن محدوده، تراکم درختان پایین است و درختان علامت‌گذاری‌شده، به وضوح قابل مشاهده‌اند و ممکن است توجه عابران پارک را جلب کنند. چند متر بالاتر از این محدوده، تراکم درختان بیشتر می‌شود اما باز هم در مجموع، نسبت به سایر قسمت‌های پارک، درختان کمتری دارد. در همان محدوده نیز در مساحت قابل‌توجهی باز هم درختان علامت‌گذاری‌شده با اسپری آبی‌رنگ و تراشیده‌شده دیده می‌شود. محدوده دوم شاید در فاصله ۱۱۰ الی ۱۵ متری محدوده اول قرار دارد. دسترسی هر دو محدوده از طریق خیابان شقایق پارک جنگلی

گزارش «فرهیختگان» در رابطه با اظهارات جدید وزیر کشور درباره اتباع خارجی

## خلاً قانونی؛ اسم رمز پاس‌کاری مساله مهاجران



زینب مزروی

خبرنگار گروه نقد روز

بعد از روی کار آمدن طالبان و سقوط دولت قبلی افغانستان آمار ورود اتباع افغانستانی به ایران بالا رفت. با افزایش آمار ورود مهاجران به ایران مساله حضور اتباع افغانستانی بنا به دلایل گسترده‌ای به یکی از موضوعات مهم جامعه تبدیل شد. از آمارهای واقعی و غیرواقعی و ضدونقیض حضور اتباع افغانستانی اگر بگذریم، براساس گفت‌وگوی اخیر وزیر کشور با سایت خبری شفقنا، بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار اتباع خارجی در طول یک سال گذشته به کشورهای خود بازگشته‌اند. ریحیدی در این گفت‌وگو به جز ارائه این عدد، نکات قابل ملاحظه‌ای ارائه کرده که بهانه این گزارش «فرهیختگان» است. همچنین قصد داریم مرور کنیم در این مدت زمان وزارت کشور به کدام یک از ایده‌آل‌های مدنظر کارشناسان و فعالان حوزه اتباع رسیده است؟ وزیر کشور در گفت‌وگو با شفقنا گفته بود: «اتباع غیرمجاز باید از ایران خارج شوند، اتباع جدید را نمی‌پذیریم و اتباعی که مجاز هستند و در کشور می‌مانند براساس نیازمندی‌های اعلام‌شده دستگاه‌ها به نیروی کار، خواهند بود و بر این اساس ساماندهی خواهند شد. در حال حاضر اطلس شغلی توسط وزارت کار تهیه شده و اسناد‌های مختلف براساس نیازشان ارزیابی می‌کنند که در هر استان چقدر به نیروهای کار اتباع خارجی نیاز دارند؛ طبیعتاً در سطحی که مورد نیاز هست، در کشور خواهند ماند و مابقی باید به کشورهای خودشان بازگردند. بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به کشورهای خود برگشتند، اما یک اشکالی داریم و اینکه برخی از این افراد از طریق مرزها دوباره وارد ایران می‌شوند؛ لذا دستگاه‌ها مجبور می‌شوند دوباره آنها را به کشورهای خود برگردانند. موارد متعددی داریم که از ایران خارج و پس از مدتی مجد دوارد کشورمان شدند. قوانین ما کفایت لازم برای برخورد با کسانی که غیرمجاز و برای بارها به کشور می‌آیند را ندارد و باید از طریق مجلس شورای اسلامی قوانین مربوط به برخورد با کسانی که برای چندمین بار وارد کشور می‌شوند، اصلاح شود تا از طریق قانونی بتوانیم مانع ورود آنها به کشور شویم.»

یکی از نکات مهم مطرح‌شده از سوی وحیدی در این گفت‌وگو، اذعان به ضعف قانون در برخورد با اتباعی است که برای چندمین بار اقدام به ورود غیرقانونی به ایران کرده‌اند؛ آنچه دقیقاً نقد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه اتباع، مطالبه مردم و رسانه‌های کنشگر در حوزه اتباع است. اما آنچه که در اظهارات وحیدی محل نقد است، محول کردن یکی از اصلی‌ترین وظایف وزارت کشور در قبال اتباع خارجی به مجلس شورای اسلامی است. البته ناگفته نماند در این میان مجلس شورای اسلامی نیز موضع مشخصی نسبت به حضور اتباع افغانستانی ندارد و حتی معلوم نیست که اولویت چندم مجلس بوده‌ اما به هرحال وزارت کشور می‌توانست در این مدت زمان دو و نیم سال فعالیت با تصدیگری وحیدی، لایحه‌ای در رابطه با اتباع افغانستانی تدوین، تهیه و تقدیم به مجلس کند، یعنی اگر یکی از مسائل اصلی و اولویت‌های مهم وزارت کشور حضور غیرقانونی اتباع افغانستانی، برخورد با ورود چندباره اتباع غیرقانونی و در مجموع کلیت حضور اتباع افغانستانی در کشور بود؛ وزارت کشور این اختیار را داشت که در رابطه با این چالش اجتماعی، لایحه‌ای تهیه کند تا باگ‌های قانونی حضور اتباع از طریق این لایحه پر شود. بنابراین اهمال در تهیه طرح برخورد جدی با اتباع غیرقانونی یا حضور اتباع افغانستانی توسط وزارت کشور یکی از نقدهای جدی وارد شده به این وزارتخانه است و پرسش از دلیل اهمال به وجودآمده نیز یکی از پرسش‌های وارده به مساله است. به هر روی اما کارشناسان حوزه

سرخه حصار است و در مجاورت با بزرگراه پاسینی قرار دارند. همچنین هر دو دسته از درختان علامت‌گذاری‌شده، در محدوده نسبتاً کم‌شیب پارک قرار دارند و دسترسی به آنها سخت نیست.

به دنبال انتشار خبرهایی پیرامون جابه‌جایی درختان قیصریه، به تفصیل درباره جابه‌جایی درختان و معضلات جابه‌جایی درختان از نگاه زیست‌محیطی و خطرات آتی برای درخت پیش از این در همین صفحه از «فرهیختگان» گفته بودیم. جابه‌جایی یا قطع درخت، در هر دو صورت مرگ درخت را به دنبال خواهد داشت و اگر درخت را یک موجود زنده بدانیم، جابه‌جایی درخت طول عمر درخت را کم می‌کند و درخت پس از جابه‌جایی نهایتاً تا سه سال یا حتی کمتر زنده خواهد ماند.

اتفاقات چند وقت گذشته مربوط به قطع و جابه‌جایی درختان در بوستان‌ها و پارک‌های تهران، از شهرداری فعلی تهران یک تصویر ضددرخت در افکار عمومی ساخته است. به نظر می‌رسد شهرداری تهران بهتر است مساله درختان علامت‌گذاری‌شده پارک سرخه حصار را برای افکار عمومی شفاف‌سازی کند تا هم برزهای «زند باد درخت» تبدیل به طنز نشود و هم اینکه این دوره از شهرداری تهران، در افکار شهروندان تهرانی به یک دوره ضدمحیط‌زیستی تبدیل نشود.

تخصصی و... اتباع را حل کنیم، شاید به‌ظاهر امر ساده‌ای باشد. مثلاً بانک

مرکزی یک دستور واحد بدهد که کارت اتباع با ۰۰ شروع شود یا هر چیزی. خیلی کار سخته به نظر نمی‌رسد اما وقتی به میدان می‌آیید، می‌بینید که خیلی کار دارید تا به چنین وحدتی برسید. در همین مساله سپرده‌گذاری اتباع، دوستانی شاهد بودند پیرومدی با اسکناس‌های ۵۰ تومانی قدیمی به بانک آمد که ۲۰ سال آنها را در بالش خود نگه داشته است. این به چه دلیلی بود؟ به این دلیل بود که ما راه را باز نکرده بودیم تا اینها بیایند و سپرده‌هایشان را در بانک‌هایمان قرار دهند. از همین طرح و طبق آخرین آمار ی که دارم، ۶ همت جمع‌آوری شده است. البته هنوز تا رسیدن به عدد نهایی مانده است ولی به‌هرحال قدمد این است که بگویم این ۶ همت خیلی زودتر از اینها می‌توانست جمع‌آوری شود. چرا این اتفاق می‌افتاد؟ چون ما به اتباع پیش از اینها اجازه سرمایه‌گذاری و حتی سپرده‌گذاری ندادیم و در جهت رشد و پیشرفت کشور به آنها اجازه فعالیت اقتصادی ندادیم. اما در عرض چندماه می‌بینیم ۶ همت جمع‌آوری شده است. چرا پیش از این نبود؟ مگر جمع‌آوری پول اتباع اتفاق عجیبی بود؟ نه. این پیشنهادها برای ساماندهی اتباع بوده‌ اما به هرحال در همه سیاستگذاری‌ها موانع و منافع وجود دارد و این منافع در عدم تغییر است.»

رستمی در ادامه گفت: «قصدم این است بگویم در برخی سیاستگذاری‌ها مهم نیست چند نفر آزار می‌بینند و زجر می‌کشند، به هرحال سیاست‌هایی وجود دارد که طبق منافع فردی، گروهی، سیاسی یا حزبی افراد است و احتمال دارد تمام اینها بالاتر از منافع ملی دیده شوند. اما به‌نظر من در چندوقت اخیر، با فعالیت برخی نهادها از این منافع درخصوص ساماندهی اتباع عبور کرده‌ایم و اکنون منافع ملی چرپیده است.»

**کار ساماندهی اتباع باید از طریق مجلس جلو برود**

این فعال حوزه اتباع همچنین در پاسخ به اینکه ایده دولت برای پر کردن خلأهای قانونی چیست، گفت: «چه دولت بخواهد لایحه بدهد و چه اینکه مجلس طرح دهد، به‌نظر من درنهایت هر مصوبه‌ای باید از طریق مجلس جلو برود و بعد برای اجرا به دولت سپرده شود. اما من خودم با توجه به طولانی شدن مصویات مجلس و روی کار آمدن مجلس جدید احساس می‌کنم فعالیت دولت به این روند بسته نخواهد بود. هرچند می‌توان نقد وارد کرد که باید قانونی عمل کند اما باز کار به صورت عملیاتی درحال جلو رفتن است.»

رستمی در پایان تصریح کرد: «برای بسیاری از موارد موجود قوانینی کلی داریم اما درنهایت این طرح آیین‌نامه نیاز دارد یا قانون نیازگزی شود، نیازمند این است که همگام با سیاست‌های دولت جلو برود.»

**درویی همان پاشنه می‌چرخد؟**

با وجود اینکه این کارشناس و فعال حوزه اتباع معتقد است اساساً همین

مشخص شدن سیاست دولت دربرابر حضور اتباع، بهتر از بی‌سیاستی است اما همچنان باید اعتراف کرد نهادی مانند وزارت کشور دولت فعلی، در دو و

نیم سال فعالیت خود، ایده و برنامه منظمی درخصوص حضور و ساماندهی

اتباع افغانستانی نداشته و حالا این سخن وزیر کشور در رابطه با خلأ قانونی برای برخورد با ورود چندباره اتباع غیرقانونی، انداختن توپ به زمین میهمانان جدید بهارستان است تا با هم قانون برخورد با این دسته از اتباع و به‌طورکلی، حضور اتباع به چندانلد دیگر محول شود و تکلیف از قانونی مشخص کند هنوز حتی نگاشته هم نشده است!

## تهران بدزد کابل بفروش



ابوالقاسم رحمانی

دستیار سردبیر

حوالی ساعت پنج عصر، اتوبان حکیم شرق به غرب نرسیده به خروجی اشرفی اصفهانی. طبق معمول همیشه، به‌خاطر شرایط کاری و وابستگی شدید به استفاده از تلفن‌همراه و البته فرصتی که ترافیک سنگین اتوبان فراهم کرده بود، مشغول پیام دادن و تماس گرفتن و... با موبایل بود که شیشه

نیمه‌پایین ماشین کار دستش داد.

غفلت کرده بود و به هرچیزی غیر از این فکر می‌کرد که یک‌نفر آهسته به او نزدیک شود و تلفن‌همراه را پشت فرمان در ترافیک از دستش قاپ بزند و بدون استرس و نگرانی سوار موتورسیکلتی شود که چند متر جلوتر بود و بعد هم در چند ثانیه حتی امکان دیدن و تعقیب کردنش با چشم هم نباشد و خب هیچ کدام از فکورهایی که کرده بود دیگر فایده‌ای نداشتند.

انبوهی از اطلاعات، شماره‌ها، فایل‌ها و... به‌علاوه هزینه گزارفی که برای خرید گوشی جدید کرده بود، همه در چند ثانیه از جلوی چشمانش گذشت و او حالا پلانتکلیف‌ترین آدم اتوبان بود.

ماشین را کنار کشید، با پلیس تماس گرفت و بعد از مدتی پلیس در محل حاضر شد و شرح ماجرا را شنید و شکایتی تنظیم کرد و فردا هم در کلانتری باقی امور اداری پیش‌رفت و همه چیز به این جمله ختم شد: «شما تشریف ببرید گوشی‌تون پیدا شد اطلاع میدم.»

کمی گذشت تا اینکه به‌مدد تکنولوژی روی نقشه محل تلفن‌همراه دزدیده‌شده پیدا شد. دوباره به آگاهی مراجعه کرد و این بار خیلی بیشتر از تکنولوژی و شناسن و اعتماد، روابط و آشنایی‌هایی که بود، کارساز شد و ماموران پذیرفتند پیگیری‌های بیشتری کنند.

به آگاهی شاپور رفت و دوباره شرح ماجرا و کمک آشناها و پیگیری‌ها وارد فاز جدیدی شد. آنجا اتفاق جالبی افتاد و سخنان عجیبی شنیده شد. به‌گفته یکی از ماموران، اولاً تعداد دزدی‌ها در محدوده اعلامی شاکی حدوداً ۱۰ روزی است که به طرز عجیبی بالا رفته و گویا یک باند سرقت آنجا را قرق کرده‌اند و روزانه مشغول دزدی هستند. ثانیاً به‌گفته همان مامور شناسن با این مالباخته- که از دوستان نزدیک من هم هست- یار شده و گوشی سامسونگ بوده! حالا سامسونگ بودن گوشی چرا باید شناسن و مزیت باشد؟ چون به‌گفته مامور گوشی‌های آیفون خیلی‌سریع در کمتر از یک‌هفته به افغانستان می‌رسند و سامسونگ‌ها مدت زمان

بیشتری اینور ماندگارند و به قولی بدفروش‌ترند. این یعنی می‌شود به پیدا شدن گوشی امیدوار بود. ثالثاً آن محدوده‌ای که در نقشه مشخص بوده و گویا تلفن‌همراه دزدیده‌شده آنجا بوده، ضلع جنوبی یکی از پارک‌های جنوب تهران و محل تجمع مالخرها بوده است. مالخرها هرشب آنجا با دزد‌های شهر ملاقات می‌کنند و گوشی‌های دزدیده‌شده را به قیمت ۳۰ - ۲۰ میلیونی می‌خرند و آیفون‌ها را زودتر و سامسونگ و بقیه را کمی دیرتر به افغانستان می‌فرستند جهت فروش چندبرابر قیمتی و... . تلفن‌همراه دزدیده‌شده هنوز پیدا نشده، آخرین اطلاع همان اطلاع اول بود، اما کمی کامل‌تر؛ شاید یک‌ساعت دیگر، یک‌روز، یک‌هفته، یک‌ماه یا یک‌سال دیگر موبایل را پیدا می‌کنند و به‌محض پیدا شدن، اطلاع می‌دهند.

القصه اینکه نه این دزدی‌ها اتفاق جدیدی است و نه این مدل پیگیری کردن‌ها و نه راه بازیکنی آشناها در مسیر پیگیری شکایت‌ها، چیزی که جدید بود، خارج شدن تلفن‌های‌همراه دزدیده‌شده از ایران به‌سمت افغانستان و بعد هم تعدد و توالی سرقت از خودروها در ترافیک‌ها بود. حالا هزاری هم توصیه کنیم درها قفل باشند و با تلفن‌همراه پشت‌فرمان کاری نداشته باشیم یا شرکت‌های مختلف پنجره جدید بیمه تلفن‌همراه باز کرده باشند و از این ناامنی موجود به فکر سود خودشان باشند و... اما کسی که قصد دزدی کرده باشد، چه این‌طور ساده دست داخل خودرو بیندازد و بدزدد، چه اینکه با قمه‌کشی و تهدید و زور مال مردم را قاپ بزند، چه فرقی می‌کند؟ هیچ وقت فکر نمی‌کردم تومخی‌تر از سختهی و انتظار تحمل ترافیک هم چیزی باشد که حالا پیدا شد.



## فرهیختگان

# روز



سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳



شماره ۴۱۳۱



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

